

**مؤلفه‌های اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی با نگاهی تحلیلی به جریان ناکتین
در نهج البلاغه**

سید مهدی احمدی نیک *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

چکیده

استقرار نظام جمهوری اسلامی و طرح سیاست‌هایی مانند عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و پابندی به آموزه‌های دینی، موجب توجه افکار عمومی به ویژه تحصیل‌کردگان به این سیاست‌ها و نحوه برخورد با سهم‌خواهان شده و در عین حال اجرای فراگیر عدالت از مهمترین عوامل اعتماد عمومی به عنوان مهمترین رکن سرمایه اجتماعی، همچنین از مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم برای جمهوری اسلامی است. در این میان یکی از آرمان‌های مشترک جمهوری اسلامی با حکومت علوی، عدالت‌ورزی و از چالش‌های مهم فراروی این دو، تفکر سهم‌خواهی است. از نمادهای این تفکر در حکومت علوی، ناکتین بوده‌اند. با توجه به تشابه آرمانی، همان چالش و تفکر در برابر جمهوری اسلامی نیز مشهود است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن بیان ویژگی‌ها و اهداف ناکتین به عنوان نماینده تفکر فوق و مواضع امام علی علیه السلام در برابر آنان و توجه به مؤلفه‌های افزایش اعتماد عمومی با رویکرد به نهج البلاغه که تاکنون مغفول واقع شده، به بررسی این موضوع پرداخته و به این نتیجه دست یافته که مهمترین عامل برای تحقق آرمان‌ها، عدالت‌ورزی، طرد سهم‌خواهی‌ها و به کارگیری مؤلفه‌های تاثیر گذار بر افزایش اعتماد عمومی، بر اساس توصیه‌های امام علی علیه السلام در این باره می‌باشد.

کلید واژه‌ها:

مؤلفه‌ها، اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی، ناکتین، نهج البلاغه.

*. استاد درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد و استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی. مشهد - ایران.
ahmadinik@razavi.ac.ir

مقدمه

توجه به مردم و افزایش مشارکت آنان در امور اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، فرهنگی و اجرای عدالت از جمله مهمترین سیاست‌های جمهوری اسلامی در برنامه‌های توسعه‌ای بوده و می‌باشد و اهمیت این دو در فرایند جذب حداکثری و اعتماد مردم به نظام اسلامی بر کسی پوشیده نیست. در اهمیت اعتماد عمومی و حفظ سرمایه اجتماعی می‌توان گفت که اگر توسعه را به میزبانی تشبیه کنیم که بر چهار پایه استوار است، می‌توان این پایه‌ها را عبارت از سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین تلقی کرد که نگهداشت سقف این توسعه نیازمند وجود هر چهار پایه آن است. در سرمایه اجتماعی که یکی از ارکان توسعه محسوب می‌شود، اعتماد و مشارکت مدنی دو مورد از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، بنابراین سرمایه اجتماعی بستر و فضایی است که تعامل نیروهای انسانی و استفاده این نیروها از سرمایه مادی را تسهیل و برای نظام سیاسی کم‌هزینه می‌نماید. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی با مشارکت و عدم مشارکت و حضور مردم در امور سیاسی، یکی از سنجه‌های مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود. بنا بر این زمانی مشارکت سیاسی رونق بیشتری پیدا می‌نماید که دولت از سرمایه اجتماعی و به عبارتی دیگر از اعتماد و حمایت عمومی افزونتری برخوردار باشد و روشن است که برخورداری دولت از اعتماد عمومی، مشارکت گسترده‌تر مردم در انتخابات و نیز گسترش نظارت عمومی و در نتیجه عملکرد مطلوب‌تر نهادهای حکومتی را در پی خواهد داشت بنا بر این، مراد ما از سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد و رضایت مردم نسبت به نظام سیاسی و کارگزاران دولتی است و بدون شک اگر این اعتماد و رضایت که مهمترین رکن سرمایه اجتماعی است دچار آسیب شود، مشارکت اجتماعی نیز ضعیف و در نتیجه بیگانگی بین حکومت و مردم، حاکم و در نهایت جامعه به سمت زوال و فروپاشی پیش خواهد رفت.

بیان مسئله

همچنان که اشاره شد یکی از برنامه‌ها و سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی، توسعه پایدار و برقراری عدالت است. (ر.ک: قانون اساسی، ۱۳۹۴، اصول: ۲، ۳، ۱۹، ۲۰، ۳۴ و ...؛ بیانات امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۴ / ۲۰۱؛ ج ۱۰ / ۴۹؛ ج ۲۰ / ۲۴۴؛ ج ۱۱ / ۲۶۴؛ ج ۱۵ / ۲۰۳؛ ج ۲۱ / ۴۰۶؛ سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز، مصوب: ۱۳۸۲ / ۸ / ۱۲؛ بندهای ۲۲ و ۴۴؛ بیانات رهبری در تاریخ‌های: ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۱۵؛ ۱۳۸۱ / ۶ / ۸؛ ۱۳۸۴ / ۵ / ۱۲؛ ۱۳۸۴ / ۸ / ۲۰؛ ۱۳۸۵ / ۸ / ۱۱؛ ۱۳۸۷ / ۱ / ۱۳ و ... به نقل از: Khamenei.ir)، روشن است که شناسایی و رفع آسیب‌های این دو امری ضروری است. از جمله آسیب‌ها و موانع توسعه و عدالت، کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی و رشد تفکر



سه‌م‌خواهی و زیاده‌طلبی از سوی کسانی است که برخوردار و ویژه از امکانات دولتی و یا از موقعیت‌های اقتصادی را حق خود پنداشته و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی دست نمی‌کشند. پر واضح است رشد چنین تفکری در میان مدیران هر نظام سیاسی خواه ناخواه به رخداد فاجعه‌سنگین و غیر قابل جبران از دست رفتن اعتماد عمومی و مشارکت سیاسی و اجتماعی خواهد انجامید از این رو، بر نظام جمهوری اسلامی است که برای برقراری عدالت و توسعه پایدار و نقش آفرینی بیشتر مردم، نقش خود را ایفا و از رشد چنین تفکری جلوگیری نماید. بر این اساس، پرسش اساسی این است که نحوه مواجهه با سه‌م‌خواهان و مهمترین راه حفظ اعتماد و سرمایه اجتماعی بر اساس نهج البلاغه چیست؟ نگارنده در این پژوهش برای پاسخ، به بررسی این موضوع پرداخته و به نتایجی چند دست یافته است، از جمله این که یکی از مهمترین راه‌های حفظ مشارکت‌های مردمی، پیروی از مواضع امام علی علیه السلام در مواجهه با سه‌م‌خواهان و پایبندی به مؤلفه‌های اعتماد عمومی در پرتو توصیه‌های آن حضرت در نهج البلاغه است تا با حفظ آن، از بروز و ظهور فاجعه از دست رفتن مشروعیت سیاسی نسبت به نظام اسلامی جلوگیری به عمل آید. قبل از بیان پیشینه یادآوری این نکته ضروری است که گرچه بسیاری از مسئولان رده بالای نظام جمهوری اسلامی در زمره بهترین خدمتگزاران به این مرز و بوم، بوده و در راه آرمانهای انقلاب اسلامی از جان خویش گذشته‌اند. افرادی مانند: شهید آیت الله مطهری، شهید آیت الله بهشتی، شهید محمدعلی رجائی، شهید محمدجواد باهنر، سر دار دلها شهید سلیمانی و ... که همه از چهره‌های خدوم و مورد علاقه مردم بوده و خواهند بود. اما به هر حال گرایش به تفکر سه‌م‌خواهی و تبعیض طلبی در میان برخی از مسئولان آسیبی است که باید با درس آموزی و پیروی از مواضع امام علی * در برخورد با چنین تفکری، با آن مقابله و برای حفظ و افزایش اعتماد عمومی و مصونیت بخشی به نظام اسلامی، از طریق جذب حداکثری، به مؤلفه‌های تاثیر گزار، بیش از پیش، توجه نمود. مقام معظم رهبری در باره اهمیت برقراری عدالت و مبارزه با فساد در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران چنین آورده‌اند:

عدالت و مبارزه با فساد این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاہی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاہ‌های حکومتی. البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاہ‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷: ۱۱؛ <https://farsi.khamenei.ir>).

درباره پیشینه تحقیق، مقالاتی درباره سرمایه اجتماعی تدوین شده، مرتبط‌ترین آنها عبارتند از: سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها (الوانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۹ تا ۲۶). که به تبیین مفاهیم واژگانی و تئوری‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی پرداخته و مقاله سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، (شریفیان ثانی، ۱۳۸۱: ۵-۱۸). که به تبیین مفاهیم مشترک در تعاریف مختلف و تفاوت آن با سرمایه انسانی پرداخته. و مقاله تاثیر سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر ارتقاء سیاست‌گذاری. (رهبر، حیدری، ۱۳۹۰: ۲۱۹ تا ۲۵۳). که به تبیین سرمایه اجتماعی و مقایسه آن با سایر سرمایه‌ها پرداخته شده اما در هیچ‌کدام، این بحث از منظر نهج البلاغه آن هم با بیان مؤلفه‌های اعتماد عمومی با تحلیل جریان ناکثین در سهم‌خواهی و مواضع امام علی علیه السلام در برابر آنان، مغفول و پژوهشی در باره آن انجام نگرفته و از این جهت پژوهش حاضر برخوردار از نوآوری است.

مفهوم شناسی

سرمایه اجتماعی

گفته شده سرمایه اجتماعی، روابط و هنجارهای شکل دادن به کمیّت و کیفیت تعامل اجتماعی در یک جامعه است. سرمایه اجتماعی، مانند چسبی است که آن‌ها را در کنار یکدیگر نگه میدارد. (صفدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۹ تا ۶۱)، در برخی منابع چنین آمده: پیر بورديو معتقد است که



اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند. (الوانی، ۱۳۸۱: ۳۰). نیز گفته شده آنگاه که سازمان (یا دولت) برای رسیدن به بهره‌وری به انسان‌ها متکی می‌شود، همبستگی، همکاری و اعتماد میان آنان را افزایش می‌دهد برخی همین رفتار را از نگاه جامعه‌شناختی، سرمایه اجتماعی دانسته‌اند. (بختیاری، ۱۳۸۵: ۴۱). بر این اساس در این پژوهش مراد از سرمایه اجتماعی، جلب اعتماد مردم نسبت به حکومت، ایجاد اتحاد و همبستگی در بین آنان، و نیز بین آنان با حکومت و همراه داشتن رضایت فراگیر عمومی نسبت به نظام سیاسی است و بدون شک افزایش اعتماد مردم به نظام، حمایت، حضور و مشارکت گسترده آنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی، از بالاترین سرمایه‌ها برای نظام اسلامی است.

نکث و ناکثین

نکث در لغت به معنای نقض عهد و پیمان شکنی است. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۴ / ۲۷۸). و در اصطلاح به فرقه‌ای اطلاق می‌شود که با علی ع بیعت کردند و سپس بیعت خود را شکستند و همین هم مراد از فرمایش علی ع است آنجا که فرمودند: «أمرت بقتال الناکثین». (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۴ / ۲۷۸).

برخی از واژه‌نگاران در این باره چنین آورده‌اند: نکث به معنای از هم باز کردن عبا و نزدیک به نقض و برای پیمان شکنی استعاره گرفته شده است. مانند «و ان نکثوا ایمانهم». (قرآن کریم: ۹: ۱۲). و «اذا هم ینکثون». (قرآن کریم: ۷: ۱۳۵). و هر امری که باعث ایجاد زحمت برای مردم باشد را نکیثه گفته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ ص ۷۷۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۲: ج ۴ / ۲۰۵). تقریباً به همین معنی در منابع دیگر نیز اشاره رفته و بر اصحاب جمل اطلاق شده است و اولین تمرد بر علیه خلافت شرعی به شمار می‌آید. (ناصری، ۱۳۹۳ ص ۱۴۳؛ قرشی، ۱۳۵۴، ج ۳ / ۳۰۵).

بر این اساس، ناکثین اسم گروه خاصی بوده که با وجود سابقه درخشان به نقض بیعت با امام خود پرداخته و با پیروی از هوای نفس و سهم‌خواهی اغتشاشی را به نام جنگ جمل بر علیه امام علی ع به راه انداختند.

ناکثین، اوصاف و اهداف

در روایاتی از سوی پیامبر اعظم ص نسبت به فتنه ناکثین هشدار داده شده (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱ / ۲۰۱؛ مفید، ۱۳۷۴: ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۲۶؛ مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱ / ۳۸۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳ / ۷۷؛ منقری، ۱۳۸۲: ۳۳۸؛ مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۳۲ / ۳۰۸).

تحلیل و بررسی:

این روایات نمونه‌ای است از روایات بسیاری که پیامبر اسلام ﷺ نسبت به خطر این گروه سهم‌خواه هشدار داده و وظیفه مسلمانان و نحوه مواجهه با آنان را بیان فرموده است. قطعاً اگر مسلمانان به این هشدارها توجه می‌نمودند دچار تفرقه و آسیب‌های آن نمی‌شدند، همین‌طور اکنون نیز اگر به این حادثه‌ها با دیده عبرت توجه و از آن عبرت گرفته شود، می‌توان در آزمون‌های سخت و دشوار حکمرانی موفق عمل نموده، بر مشکلات فائق آمد.

الف. اوصاف

از آنجا که سهم‌خواهان نوعاً دارای اوصاف و ویژگی‌های مشترکی می‌باشند لازم است برای آشنایی بیشتر به بیان مهمترین اوصاف و ویژگی‌های کلی جریان ناکثین به عنوان نماد تفکر سهم‌خواهی بپردازیم از این رو، برخی از مهمترین اوصاف آنان را از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بیان می‌نمائیم.

۱. دنیا طلبی و حسادت

دنیا طلبی ریشه همه بدی‌ها و انحراف‌هاست. چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام به این مطلب تصریح شده است: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲ / ۳۱۵)، روشن است که دنیا و دوستی آن به خودی خود مذموم نیست، آنچه مذموم است، آن دنیائی است که انسان را از کسب کمالات و تحصیل آخرت باز داشته و به هر نوع زشتی و بدی وادارد و این گونه است که در کنار چنین صفتی همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها در انسان شکل می‌گیرد. حبّ دنیا، اعمّ از حبّ مال، مقام، شهوت جنسی، تفوق طلبی، برتری جوئی، تن‌پروری، انتقام‌جوئی، و مانند اینها، گاه، چنان طوفانی در روح انسان ایجاد می‌کند که تمام معلومات او را بر باد می‌دهد، و حتی گاه، حسّ تشخیص او را از میان می‌برد، و در نتیجه، حیات دنیا را بر آخرت مقدم و انسان را تباه و نگون بخت می‌سازد. ناکثین از نگاه امام علی علیه السلام انسانهایی دنیا طلب و حسود معرفی نموده و درباره آنان می‌فرمایند: آنان این دنیا را طلبیدند. چون بر آن کس که خدا آن را بدو ارزانی داشته حسد ورزیدند. می‌خواهند کار را به گذشته بازگردانند- و بار دیگر ما را از حکم برانند- شما را بر ما حقّ عمل به کتاب خدا، و سیرت رسول خداست ﷺ، و حقوق او را گزاردن و سنت او را برپا داشتن (خطبه ۱۶۹) بر اساس این فرمایش امام علیه السلام، ریشه و اساس اشتباهات آنان، دنیا طلبی و حسادت ورزی آنان بوده که آنها را به موضع گیری در برابر امام علی علیه السلام واداشته است.

بر این اساس، ناکثین به دلیل دنیا طلبی دارای صفات دیگری نیز می‌باشند که در این مجال به منظور عبرت‌گیری به اختصار به برخی و نه همه آنها اشاره می‌شود.



۲. سرکشی و جنگ افروزی

از آنجا که در حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام حاکمیت بر اساس ارزشهای الهی و معنوی و مبتنی بر عدالت و به دور از تبعیضات طبقاتی است. بدیهی است که دنیا طلبانی همچون ناکثین، چنان عدالتی را بر نتابیده و به بهانه‌های واهی به سرکشی در برابر حکومت عدالت محور علوی پرداخته و اقدام به جنگ افروزی نمودند. آری سرکشی و بغی که نوعی نافرمانی مدنی است غالباً در برابر دستورات و وظایف اجتماعی است که افراد در برابر حکومت به موضع گیری منفی و تقابلی پرداخته و به دنبال کسب امتیازاتی از راه سرکشی و جنگ افروزی می‌باشند که ناکثین در برابر حکومت امام علی علیه السلام این گونه بودند. از این رو امام آنان را به عنوان گروهی باغی و سرکش معرفی و در باره آنان فرموده است: خدایا! آن دو- طلحه و زبیر- مردم را به جنگ من فراهم آوردند. (خطبه: ۱۳۷).

۳. ستمگری و بیعت شکنی

سران ناکثین، طلحه و زبیر به امید رسیدن به ریاست کوفه و بصره با علی علیه السلام بیعت کردند و تقاضای فرمانروایی آن دو شهر را دادند. ولی آنگاه که پایداری علی علیه السلام را در دین و تصمیم قاطع و محکم و سازش ناپذیری وی را دیدند، و مشاهده کردند که علی علیه السلام مصمم است تا خط اصلی حکومتی اش را بر مبنای کتاب و سنت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرار دهد سر به شورش برداشته و بیعت خویش را شکسته و امام علی علیه السلام در تبیین وضعیت ناکثین چنین فرموده است: خدایا! آن دو- طلحه و زبیر- پیوند مرا گسستند، بر من ستم کردند، و بیعتم را شکستند، و مردم را به جنگ من فراهم آوردند. پس آنچه را بستند، بگشا! و آنچه را محکم کرده‌اند، پایدار مفرما! (خطبه ۱۳۷).

۴. تظاهر به حق و عدم پایبندی به آن (نفاق و دورویی)

نفاق یکی از مسائلی است که همواره در قرآن کریم در آیات متعددی مورد توبیخ قرار گرفته و مسلمانان را از داشتن نفاق بر حذر داشته است (قرآن کریم ۲: ۸-۲۰؛ قرآن کریم ۶۳: ۱-۱۱؛ قرآن کریم ۳: ۶۱، ۸۸، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲؛ قرآن کریم ۸: ۴۹) و روشن است که منافقان انسانهایی ناشایست و غیر قابل اعتماد بوده و از صفات آنان این است که آن چه خود واگذارده‌اند از دیگران مطالبه می‌نمایند. امام علی علیه السلام در بیانی به معرفی آنان پرداخته، در توصیف ناکثین می‌فرماید: آنان حقی را می‌خواهند که خود واگذارند- و گریختند- و خونی را می‌جویند که خویشان ریختند. (خطبه ۲۲)

۵. سستی و عدم پایداری

سستی و عدم پایداری از جمله صفاتی است که فرجامی جز ذلت و خواری را برای انسان در بر ندارد. چنین صفتی در هر انسانی باشد موجب ناکامی شده و ناکامیها همواره آسیب زاست. از اینرو امام علی علیه السلام در جایی دیگر به بیان صفتی دیگر از صفات ناشایست ناکثین پرداخته و می‌فرماید: چون برق درخشیدند، و چون تندر خروشیدند، با این همه کاری نکردند و واپس خزیدند. (خطبه ۹)

۶. پیروی از شیطان

بدون شک و سوسه‌های شیطان برای فریب و اغوای انسان دارای گستره‌ای وسیع بوده و تمامی فعالیت‌های فردی و اجتماعی، روحی و جسمی انسان را شامل می‌گردد. شیطان تلاش می‌کند او را از تکامل باز داشته و منحرف نماید و روشن است که چنین انسانی که پیرو شیطان شده و به حزب او در آمده است، خطرناک بوده و باید از او بر حذر بود. امام علی علیه السلام برای جلوگیری از پیوستن دیگران به آنان، به معرفی ناکثین پرداخته و یکی از صفات کلی جریان ناکثین را پیروی از شیطان، بیان فرموده: آگاه باشید که شیطان حزب خود را فراهم ساخته، و سوار و پیاده‌اش را فراخوانده، و - به سوی شما- تاخته. حقیقت بینی من با من است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام، و نه بر من پوشیده بوده است. (خطبه ۱۰)

۷. فقدان بصیرت

یکی از عوامل خطا و انحراف، جهل و نادانی و عدم درک درست از امور است. جریان ناکثین به همین دلیل فریفته دنیا شده و از اینرو برای جلوگیری از فریب مردم توسط آنان امام علی علیه السلام در بیانی آنان را چنین معرفی فرموده است: شیطان را پشتوانه خود گرفتند، و او از آنان دامها بافت، در سینه‌هاشان جای گرفت و در کنارشان پرورش یافت. پس آن چه می‌دیدند شیطان بدیشان می‌نمود، و آنچه می‌گفتند سخن او بود. به راه خطاشان برد و زشت را در دیده آنان آراست. شریک او شدند، و کردند و گفتند: چنانکه او خواست. (خطبه ۷)

۸. تردید آفرینی و ایجاد تفرقه

تفرقه از اموری است که موجب شکست و فناى هر ملت و دولتی است. ناکثین از جمله گروه‌های تفرقه افکن بوده و امام علی علیه السلام در باره آنان هشدار داده و فرموده است: کاری که پیش آمده است از جاهلیت یادگار است، و این مردم را که به شورش برخاسته‌اند یاور و مددکار است. هوای مردم در این داستان (خونخواهی عثمان) اگر در میان آید گونه‌گون راه پیماید. گروهی سخن شما را



می‌گویند، و گروهی راهی بر خلاف شما می‌پویند. و گروهی نه با این سوی و نه با آن سوی‌اند. پس شکیباً باشید تا مردم آرام گیرند، و دل‌های رفته به جای آید، و حق‌های - از دست شده - با مدارا گرفته شود. (خطبه ۱۶۸)

۹. حرمت شکنی برای رسیدن به هدف

بر اساس برخی از آیات (قرآن کریم ۳۳: ۳۲) همسران پیامبر اسلام ﷺ به دلیل انتساب به ایشان با زنان دیگر فرق داشته و این تفاوت برای این می‌باشد که ابزار دست افراد جاه طلب قرار نگرفته و یا کاری انجام ندهند که با شأن پیامبر اسلام ﷺ منافات داشته باشد. اما علیرغم این توصیه قرآنی، ناکثین عائشه یکی از همسران پیامبر اسلام را برای حق نمائی، سوار بر شتر نموده و با خود به بصره آوردند و حرمت پیامبر را نگه نداشتند. از این رو امام علی علیه السلام این عمل آنان را نوعی حرمت شکنی دانسته و فرموده است: بیرون شدند و حرم رسول خدا ﷺ را با خود این سو و آن سو کشانند، چنانکه کنیزی را به هنگام خرید کشانند. او را با خود به بصره بردند و زنان خویش را در خانه نشانند. آن را که رسول خدا ﷺ در خانه نگاهداشته بود، و از آنان و جز آنان بازداشته، به این و آن نمایانند. (خطبه ۱۷۲)

۱۰. فتنه انگیزی و شبهه پراکنی

برخی با ارائه تحلیلی از توییخ امام علی علیه السلام نسبت به سران ناکثین طلحه و زبیر، آنان را اهل فتنه دانسته و این سخن امام را آورده‌اند: اما او برای به شک انداختن مسلمانان و اشتباه اندازی و مغالطه کاری، گروهی را (به عنوان خونخواهی او) اطراف خویش گرد آورد. (خوئی، ۱۴۰۰: ج ۸ / ۳۳۴-۳۴۵)

تحلیل و بررسی

آری، دنیاطلبی و حرص و آزمندی ناکثین با توجه به عدم بصیرت کافی در فهم واقعیت‌ها، شرایط حاکم و عدم گوش سپاری به نصیحت‌ها و نیز پیروی از شیطان و هواهای نفسانی و کینه‌توزی همراه با گمراهی و انحراف از مسیر حق، آنان را که دارای سابقه‌ای درخشان در اسلام بودند به انحرافی ویرانگر کشانیده به گونه‌ای که به صراحت به امام علی علیه السلام گفتند: ما بعد از رسول خدا ﷺ از هر پست و مقامی محروم گشته و هر یک در گوشه انزوا قرار گرفتیم، اینک که خلافت در دست تو افتاده است انتظار داریم که در امر خلافت ما را شریک و سهیم خود سازی. (نجمی و هریسی، ۱۳۶۰: ۴۸).

ب. اهداف

چنان که در قبل اشاره شد، دنیاطلبی ناکثین به رویش بدی‌های دیگر و پیدایش صفات نکوهیده‌ای در آنان گردیده که به کلی از عدالت فاصله گرفته، و به سهم خواهی آشکار پرداخته و به اهدافی عدالت‌ستیز روی آورند. امام علی علیه السلام برای جلوگیری از انحراف دیگران در طول تاریخ به اهم اهداف آن‌ها اشاره نموده‌اند. و از آنجا که نوعاً اهداف عدالت‌ستیزان و سهم‌خواهان دارای تشابه است و آشنایی با آن‌ها می‌تواند به شناخت بیشتر آنان بینجامد و در موضع‌گیری مسئولان در برابر آنان تأثیرگذار باشد به نحو کلی به این اهداف اشاره می‌شود.

۱. سهم‌خواهی از بیت المال

یکی از اهداف ناکثین بر اساس نهج البلاغه، سهم‌خواهی آنان است. امام علی علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید: مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در باره آن که والی اویم؟ به خدا که، نپذیرم تا جهان سرآید، و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزا است - تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر، و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرمی کند، و نزد خدا خوار گرداند. (خطبه ۱۲۶) مقام معظم رهبری نیز با الهام از سخنان امام علی علیه السلام در ارتباط با دنیا طلبی و سهم‌خواهی می‌فرماید: دنیای مذموم آن است که انسان این متاعی را که خدای متعال برای افراد بشر قرار داده است، برای خود بخواهد، سهم خود را افزون‌تر از دیگران بخواهد، به سهم دیگران دست‌اندازی کند، دلبستگی پیدا کند که این دلبستگی به مقتضای «حَبَّ الشَّيْءِ يَعْصِي وَ يَصْمَمُ»، انسان را کر و کور می‌کند؛ تا آن‌جا که در راه به‌دست آوردن چیزی که عاشق و دلبسته آن هست، هیچ خط قرمزی و هیچ حد و حدودی را رعایت نمی‌کند؛ این می‌شود دنیای مذموم. دلبستن به دنیا، سهم‌خواهی بیش از اندازه خود، بیش از حق خود، دست‌اندازی به سهم دیگران، تجاوز به حقوق دیگران؛ این می‌شود آن دنیای مذموم... راز انحرافی که آن روز امیرالمؤمنین در مقابل خود ملاحظه می‌کرد - و نهج البلاغه پر است از بیان این انحراف‌ها - عبارت بود از دنیاطلبی. (خامنه‌ای، سی‌روز، سی گفتار، ۱۳۹۱ / ۵ / ۳۱) (Khamenei.ir)

۲. تمامیت‌طلبی

امام علی علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید: بیعت شما با من بی‌اندیشه و تدبیر نبود، و کار من و



شما یکسان نیست. من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خود می‌خواهید. ای مردم! مرا بر کار خود یار باشید - و فرمانم را پذیرفتار - . به خدا سوگند، که داد ستم‌پدیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او تا به آبشخور حق کشانم. (خطبه ۱۳۶)

۳. جاه طلبی

امام علی علیه السلام به صراحت به این واقعیت اشاره و فرموده است: هر يك از دو تن (طلحه و زبیر) کار (خلافت) را برای خود امید می‌دارد، دیده بدان دوخته و رفیقش را به حساب نمی‌آرد. نه پیوندی با خدا دارند، و نه با وسیلتی روی بدو می‌آزند. هر يك کینه دیگری را در دل دارد، و زودا که پرده از آن بردارد. به خدا اگر بدانچه می‌خواهند برسند، این جان آن را از تن برون سازد، و آن این را از پا در اندازد. اکنون گروه نافرمان بر پاخاست، پس گروهی که برای خدا می‌کوشد کجاست؟ (خطبه ۱۴۸).

۴. بهانه جویی

امام علی علیه السلام در اشاره به این مطلب در جواب زبیر که گفته بود من اگر چه با دست بیعت نمودم اما در دل چنین قصدی نداشتم فرموده: پندارد با دستش بیعت کرده است، نه با دلش. پس بدانچه به دستش کرده ۲ اعتراف می‌کند، و به آنچه به دلش بوده ادعا. پس بر آنچه ادعا کند ۳ دلیلی روشن باید، یا در آنچه بود ۴ و از آن بیرون رفت در آید. (خطبه ۸)

۵. فرافکنی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: سوگند بخدا خودداری نکردند از نسبت دادن بمن منکری را (نسبت دروغ که بمن دادند کشتن عثمان و رضای من بر قتل او می‌باشد) و میان من و خودشان از روی عدل و انصاف سخن نگفتند (زیرا اگر بعدل و انصاف رفتار می‌کردند و بطلان دعوی ایشان واضح بود) و (دعوی نادرست ایشان آنست که) حقّی را (از من) می‌طلبند که خودشان ترك کرده‌اند، (خونخواهی می‌نمایند از) خونی که خودشان ریخته‌اند. (خطبه ۲۲)

۶. فرصت طلبی

امام علی علیه السلام در ردّ سهم‌خواهی آنان در مشورت‌خواهی فرمود: به اندک چیز (شريك نکردن آنان در حکومت) ناخشنودی نشان دادید، و کارهای بسیاری (ادای وظیفه در رعایت مصلحت مسلمانان) را به عهده تأخیر نهادید! به من نمی‌گویید در چه چیزتان حقی بوده است که از شما بازداشته‌ام؟ و در چه کار خود را بر شما مقدم داشته‌ام؟ یا کدام دعوی را مسلمانی نزد من آورد که گزاردن آن را نتوانستم؟ یا در آن نادان بودم، یا در حکم آن راه خطا پیمودم؟. (خطبه ۲۳۹)

۷. تبهکاری

امام علی علیه السلام در این باره فرموده: هان! بدانید که شما رشته- پیوند با- اسلام را گسستید، و حدود آن را شکستید، و احکام آن را کار نیستید. بدانید که خدا مرا فرموده است با تجاوزکاران و پیمان گسلان، و تبهکاران در زمین پیکار کنم. اما با پیمان گسلان (طلحه و زبیر و یاران آن دو) جنگیدم و با از حق برون شدگان (معاویه و یاران او) ستیزیدم، و از دین بیرون شدگان (خوارج) را زبون ساختم. (خطبه ۲۰۵)

۸. بهانه جویی

امام علی علیه السلام در این باره فرموده: به خدا طلحه بدین کار نپرداخت و خونخواهی عثمان را بهانه ساخت جز از بیم آنکه خون عثمان را از او خواهند، که در این باره متهم می‌نمود، و در میان مردم آزمندتر از او به کشتن عثمان کس نبود. پس خواست تا در آنچه خود در آن دست داشت مردمان را به خطا در اندازد، و کار را به هم آمیزد، و شک پدید آرد و حقیقت را مشتبه سازد. (خطبه ۱۷۴)

۱- مواضع امام علی علیه السلام

با توجه به آنچه بیان شد مناسب است موضع‌گیری امام علیه السلام در برابر آنان به عنوان نمایندگان تفکر سهم‌خواهی تبیین تا مسئولیت و وظیفه نظام اسلامی با الگوگیری از مواضع امام علیه السلام در برابر زیاده‌خواهان و سهم‌خواهان به منظور حفظ اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی روشن گردد. یاد کرد این نکته ضروری است که خدمات صادقانه بسیاری از مسئولان نظام جمهوری اسلامی به مردم در روند انقلاب اسلامی و پیشرفتهای تحسین بر انگیز انقلاب اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها به استناد اسناد ارائه شده از سوی سازمانهای بین‌المللی، (ر.ک: راجی، ۱۳۹۸: ۳۵-۳۱۴) جای هیچگونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد اما با این وجود مواظبت بیشتر برای حفظ اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی و پاسداشت همین زحمتهای صادقانه از رهگذر ترمیم آسیبها از جمله برخورد با سهم‌خواهیهای عده‌ای و لو معدود با الگو گرفتن از رهنمودهای امام علی علیه السلام از مهمترین رسالت‌های انقلابی به شمار می‌آید. از این رو نگارنده با ترسیم مواضع امام علی علیه السلام در برابر تفکر سهم‌خواهی (ناکثین) و در ادامه با بیان مؤلفه‌های حفظ اعتماد عمومی بر گرفته از نهج البلاغه، کوشیده است راهها و حد اقل تذکراهائی را فرارو نهد.

۲-۱. هدایتگری و نصیحت همراه با حسن نیت

نصیحت برای هدایت یکی از مهمترین برنامه‌ها و مأموریت‌های پیامبران الهی بوده که در قرآن و



روایات به آن تصریح شده است. (اعراف / ۶۲ و ۶۸؛ کلینی، ۱۴۰۱، ۲: ۲۰۸) امام نیز از همین وسیله برای هدایت آنان استفاده و حتی با دعائی، حسن نیت خود را نسبت به آن‌ها به اثبات می‌رساند: خدا دل‌های ما و شما را به راه حق بگرداند! و به ما و شما شکیبایی ارزانی دارد! [پس فرمود:] خدا پیامرزد کسی را که حقی بیند و یاری آن کند یا ستمی بیند و آن را بازگرداند، و خداوند حق را یاور بود تا حق را بدو برساند. (خطبه ۲۰۵)

۲-۲. پایداری و صلابت

وقتی گروه ناکثین قدم به عرصه سیاسی - اجتماعی جهان اسلام نهاد، حضرت موضع خود را به عنوان یک مسلمان بطور عام و یک خلیفه حداقل منتخب مردم بطور خاص اعلام نمود. گفتارهای ذیل بیانگر این موضع‌گیری است: و اگر سرباز زنده تیغ تیز در کار است، که درمان نابکار است و حق را یار است. شگفتا! از من می‌خواهند به میدان کارزار آیم، و در نبرد پایداری نمایم، مادر بر آنان بگرید، تاکنون کس مرا از جنگ نهراسانده و از شمشیر نترسانده، که من به خدای خود یقین دارم و در دین خویش شبهتی نیارم. (خطبه ۲۳).

۳-۲. پیکار و قاطعیت

امام علی علیه السلام وقتی لجاجت آنان را بر اشتباهشان دید فرمود: به خدا به دست خود برای آنان آگیری پر کنم که از آن سیراب بیرون نروند، و پس از آن از هیچ گودالی جرعه‌ای نچشند. (خطبه ۱۳۷)

و در جای دیگری چنین فرموده: به خدا که من در آن صف پیکار بودم تا- سپاه جاهلیت- درماند، و یکباره روی بگرداند. نه ناتوان بودم و نه ترسان، امروز هم من همانم و آنان همان. باطل را می‌شکافم تا حق از کنار آن به در آید، مرا چه با قریش - اگر با من به جنگ برآید-. به خدا سوگند، آن روز که کافر بودند با آنان پیکار نمودم، و اکنون که فریب خورده‌اند آماده کارزارم. من دیروز هم‌اورد آنان بودم و امروز هم پای پس نمی‌گذارم. (خطبه ۳۳).

۴-۲. بی‌اعتنائی به توصیه‌ها و سرزنش‌ها

امام علی علیه السلام در این باره چنین فرموده: «من در کار خود زیر بار فشار هیچ‌کس، تسلیم نمی‌شوم و به سرزنش و گفته‌های بی‌اساس گوش نمی‌دهم».

۵-۲. برخورد با آشوب طلبی‌ها

حضرت در این باره با بیانی رسا و گویا چنین فرموده: هر يك از دو تن (طلحه و زبیر) کار

خلافت) را برای خود امید می‌دارد، دیده‌بدان دوخته و رفیقش را به حساب نمی‌آرد. نه پیوندی با خدا دارند، و نه با وسیلتی روی بدو می‌آرند. هر يك كینه دیگری را در دل دارد، و زودا که پرده از آن بردارد. به خدا اگر بدانچه می‌خواهند برسند، این جان آن را از تن برون سازد، و آن این را از پا در اندازد. اکنون گروه نافرمان بر پاخواست. (خطبه ۱۴۸) «اگر آن‌ها پیروز بشوند نظم مسلمین را از بین برده و تفرقه را جای آن می‌نشانند.»

با توجّه به سهم‌خواهی و دنیاطلبی ناکثین و در راس آنان طلحه و زبیر مبنی بر تقاضای فرمانروایی بصره و کوفه و عدم موافقت امام با آنان سرانجام با حمایت امویان ارتشی تشکیل و با امام اعلام جنگ نموده و به ایجاد آشوب پرداختند امام هم برای ایجاد و برقراری امنیت برای مردم با آنان نبرد و آنان را شکست داد نبردی که بعدها به جنگ جمل معروف گردید. جهت آگاهی بیشتر نسبت به جنگ جمل و سران آن بنگرید (ابن اثیر، ۱۳۹۷ ج ۴ / ۲۸۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ج ۲ / ۵۱۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷: ج ۱ / ۲۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۴ / ۴۹۰؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ج ۱ / ۱۲۱).

بدون شک پیروی و الگوگیری از چنین موضعی می‌تواند به عنوان یک الگوی کارآمد برای جمهوری اسلامی مطرح و برای اجرای عدالت، و توسعه پایدار و برخورداری از اعتماد عمومی و مشارکت مردمی منجر به افزایش اعتماد عمومی به عنوان مهمترین رکن سرمایه اجتماعی گردد. اکنون که با یکی از گروه‌های سهم‌خواه در صدر اسلام آشنا شده و مواضع امام عاشق و نحوه برخورد ایشان با آنان روشن گردید، مناسب است نگاهی داشته باشیم به رسالت جمهوری اسلامی با پدیده دنیاطلبی و سهم‌خواهی. ناگفته روشن است که عواملی موجب پیوند یک ملت و سبب اتحاد و یکپارچگی آنان در برابر دشمن و حمایت از نظام سیاسی است که از جمله این عوامل، دوری از اشرافی‌گری، مبارزه با تبعیض و نابرابری، طرد سهم‌خواهی‌ها و توجّه به اجرای عدالت است. هر چه عوامل اتحاد و یکپارچگی، پیوندها و ارتباطات بین نظام سیاسی و مردم قوی‌تر باشد حسّ تعلق گروهی و همبستگی و اعتماد به نظام سیاسی در میان آنان قوی‌تر، منسجم‌تر و پایدارتر خواهد بود. اما اگر به دلایلی عوامل تقویت‌کننده و مستحکم‌کننده پیوندهای يك ملت و جامعه در بعد ارزش‌ها و آرمان‌ها از جمله عدالت ضعیف و ضعیف‌تر شوند به تدریج حسّ همبستگی گروهی کاهش می‌یابد، فردیت و حسّ بیگانه‌بودن نسبت به هم بر حسّ تعلق جمعی و انسجام اجتماعی چیره شده و به تدریج ریشه‌های همبستگی اجتماعی تضعیف و آهسته آهسته از بین می‌رود. پر واضح است که همبستگی و انسجام اجتماعی مبتنی بر مؤلفه‌هایی است که رعایت آن‌ها منجر به



پیوند بیشتر میان مردم و حکومت و در نتیجه اعتماد عمومی به عنوان مهمترین رکن سرمایه اجتماعی است و هر چه این پیوند بیشتر باشد مشارکت اجتماعی، سیاسی و مدنی نیز در حوزه‌های گوناگون افزونتر خواهد بود از این رو در بحث بعدی به یکی از رسالت‌های جمهوری اسلامی که توجه به مؤلفه‌های حفظ اعتماد عمومی در ارتباط با سرمایه اجتماعی با الهام از نهج البلاغه است می‌پردازیم.

۱. مؤلفه‌های حفظ اعتماد عمومی به عنوان مهمترین رکن سرمایه اجتماعی.

امام علی (ع) برای اجرای عدالت، از یک سو با دنیا طلبان و سهم خواهان و مخالفان با عدالت می‌ستیزد و از سوی دیگر بر رعایت اسباب و موجبات دلگرمی مردم و رضایت‌مندی آنان در حکومتداری تأکید و به پایبندی به آن‌ها توصیه نموده و روشن است که توجه به آن‌ها موجب بالا رفتن اعتماد و رضایت مردم نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و موجب افزایش مشارکت‌های مردمی در همه صحنه‌ها اعم از انتخابات و غیر آن بوده و از مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم نیز به حساب می‌آید بر این اساس در این مجال به اهم آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳. دوری از مجالست با اشراف

امام علی علیه السلام در ضرورت نزدیک شدن به توده مردم و اجتناب از مجالس اشرافی تهی از رعیت به عثمان بن حنیف فرموده‌اند: پسر حنیف به من خبر رسیده است که مردی از جوانان بصره تو را برخوانی خوانده است و تو بدانجا شتافته‌ای. خوردنیهای نیکو برایت آورده‌اند و پی در پی کاسه‌ها پشت نهاده. گمان نمی‌کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان به جفا رانده است و بی نیازشان خوانده. (نامه ۴۵)

۲-۳. ساده زیستی مسئولان

در دعوت به ساده‌زیستی چنین فرموده: آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید، و از نور دانش او روشنی جوید. بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و- در پارسایی- کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن. که به خدا از دنیای شما زری نیندوختم، و از غنیمتهای آن ذخیرت نمودم، و بر جامه کهنه‌ام کهنه‌ای نیفزودم. (نامه ۴۵)

۳-۳. مدارا و نرم‌خوئی با مردم

امام علی علیه السلام درباره مدارا با مردم می‌فرماید: و آنجا که مهربانی باید راه مهربانی پوی، و جایی که جز درشتی به کار نیاید درشتی پیش گیر، و برابر رعیت فروتن باش، و آنان را با گشاده‌رویی و



نرمخوبی بپذیر، و با همگان یکسان رفتار کن، گاهی که گوشه چشم به آنان افکنی یا خیره‌شان نگاه کنی، یا یکی را به اشارت خوانی، یا به یکی تحیتی رسانی، تا بزرگان در تو طمع ستم - بر ناتوان - نبندند، و ناتوانان از عدالت مأیوس نگردند. (نامه ۴۷)

۳-۴. اجتناب از ظلم و ستم

امام علی علیه السلام درباره اجتناب از ستم و دروغ‌گویی می‌فرماید: همانا ستمگری و دروغ - رسوایی - آدمی را در دین و دنیای او آشکار می‌سازد، و نقصان وی را نزد آن کس که عیب‌گوی او بود پدیدار، و تو می‌دانی آنچه را از دست شده ۲ تدارک کردن نتوانی. (نامه ۵۰)

۳-۵. دوری از دنیا طلبی

امام علی علیه السلام در توصیه به دوری نمودن از دنیا طلبی می‌فرماید: اما بعد، همانا دنیا - آدمی را - سرگرم می‌سازد، تا جز بدان نپردازد. و دنیا دار به چیزی از دنیا نرسد، جز که آزمندی و شیفتگی وی بدان فزون شود، و آنچه از دنیا بهره او گردیده وی را بی‌نیاز نکند از آنچه بدان نرسیده. و از آن پس جدایی است از آنچه فراهم آورده، و در هم ریختن آنچه استوار کرده، و اگر آنچه گذشته است پندت آموخت، مانده را توانی اندوخت. (نامه ۴۹)

۳-۶. ضرورت رسیدگی مالی به مردم

امام علی علیه السلام در توصیه به ضرورت رسیدگی به امور مردم چنین می‌فرماید: از بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مرزبانان! اما بعد، بر والی است که اگر به زیادتی - از مال - رسید، یا نعمتی مخصوص وی گردید، موجب دگرگونی او نشود، و آنچه خدا از نعمت خویش نصیب کرده بر نزدیکی وی به بندگان خدا و مهربانی او به برادرانش بیفزاید. (نامه ۵۰)

۳-۷. رعایت انصاف و نیکی با مردم

در توصیه به انصاف و نیکی به مردم می‌فرماید: و مبادا نکوکار و بد کردار در دیده‌ات برابر آید، که آن رغبت نکوکار را در نیکی کم کند، و بد کردار را به بدی وادار نماید، و در باره هر يك از آنان آن را عهده‌دار باش که او بر عهده خود گرفت، و بدان که هیچ چیز گمان والی را به رعیت نیک نیارد، چون نیکی که در حق آنان کند و بارشان را سبک دارد، و ناخوش نشمردن از ایشان آنچه را که حقی در آن ندارد بر آنان. پس رفتار تو چنان باید، که خوش گمانی رعیت برایت فراهم آید، که این رنج دراز را از تو می‌زداید. و به خوش گمانی تو آن کس سزاوارتر که از تو بدو نیکی رسیده و بدگمانی‌ات بدان بیشتر باید که از تو بدی دیده. (نامه ۵۳)



۳-۸. گره گشایی از مردم

امام علی علیه السلام در این باره فرموده: پس داد مردم را از خود بدهید و در برآوردن حاجتهای آنان شکیبایی ورزید، که شما رعایت را گنجه‌ورانید و امت را وکیلان و امامان را سفیران. حاجت کسی را روا نکرده مگذارید، و او را از آنچه مطلوب اوست باز مدارید و دست به مال کسی مبرید، نمازگزار باشد یا پیمان مسلمانان را عهده‌دار. (نامه ۵۱)

۳-۹. خود سازی مسئولان

امام علی علیه السلام در توصیه به مالک اشتر چنین فرموده: او را فرمان می‌دهد به ترس از خدا و مقدم داشتن طاعت خدا بر دیگر کارها، و پیروی آنچه در کتاب خود فرمود، از واجب و سنتها که کسی جز با پیروی آن راه نیک‌بختی را نیبمورد. و جز با نشناختن و ضایع ساختن آن بدبخت نبود، و این که خدای سبحان را یاری کند به دل و دست و زبان، چه او (جل اسمه) یاری هر که او را یار باشد پذیرفته است و ارجمندی آن کس که - دین - او را ارجمند سازد، به عهده گرفته. و او را می‌فرماید تا نفس خود را از پیروی آرزوها بازدارد، و هنگام سرکشیها به فرمانش آرد که «همانا نفس به بدی و می‌دارد، جز که خدا رحمت آرد. (نامه ۵۳).

۳-۱۰. مهربانی با مردم

امام علی علیه السلام در این باره چنین فرموده: مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان، و مباحش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری. (نامه ۵۳).

۳-۱۱. پرهیز از غرور و خودپسندی با مردم

امام علی علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید: و اگر قدرتی که از آن برخوردار، نخوتی در تو پدید آرد و خود را بزرگ بشماری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر، که چیست، و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست، که چنین نگرستن سرکشی تو را می‌خواهاند و تیزی تو را فرو می‌نشانند و خرد رفته‌ات را به جای باز می‌گرداند. پرهیز که در بزرگی فروختن، خدا را همنبرد خوانی و در کبریا و عظمت خود را همانند او دانی که خدا هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودبینی را بی مقدار. (نامه ۵۳).

۳-۱۲. جلب رضایتمندی و خشنودی مردم.

امام علی علیه السلام در این باره فرموده: سپس خدا را! خدا را! در طبقه فرودین از مردم، آنان که راه چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانند، که در این طبقه

مستمندی است خواهنده، و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده. و برای خدا حقی از خود را که به آنان اختصاص داده، و نگهبانی آن را به عهده‌ات نهاده پاس دار، و بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های زمینهای خالصه را در هر شهر به آنان واگذار، که دور دست‌ترین آنان را همان باید که برای نزدیکان است، و آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است. پس مبادا فرو رفتن در نعمت، از پرداختن به آنان بازت دارد. (نامه ۵۳).

۳-۱۳. رعایت حقوق همه اقشار

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: و بدان که رعیت را صنفهاست که کار برخی جز به برخی دیگر راست نیاید، و به برخی از برخی دیگر بی‌نیازی نشاید. از آنان سپاهیان خدایند و دبیران که در نوشتن نامه‌های عمومی و یا محرمانه انجام وظیفه نمایند. و از آنها داورانند که کار به عدالت دارند و عاملانند که کار خود به انصاف و مدارا رانند، و از آنان اهل جزیه و خراج‌اند، از ذمیان و مسلمانان. و بازرگانانند و صنعتگران و طبقه فرودین از حاجتمندان و درویشان. و خدا نصیب هر دسته را معین داشته و میزان واجب آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله نگاشته. (نامه ۵۳).

۳-۱۴. استفاده از کارگزاران با تجربه و خوشنام

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: سپس در کار عاملان خود بیندیش، و پس آزمودن به کارشان بگمار، و به میل خود و بی مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار، که به هوای خود رفتن و برای دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت، و عاملانی این چنین را در میان کسانی جو که تجربت دارند و حیا، از خاندانهای پارسا که در مسلمانی قدمی پیشتر دارند، - و دل‌بستگی بیشتر- اخلاق آنان گرمی‌تر است و آبروشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر، و عاقبت نگریشان فرونتر. (نامه ۵۳).

۳-۱۵. حقوق کافی و مصونیت‌زائی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: پس روزی اینان را فراخ دار! که فراخی روزی نیروشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند، و بینیازیشان بود، تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند، و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت ورزیدند. (نامه ۵۳).

۳-۱۶. سامان دهی مالیات و مصرف در آبادانی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: و در کار خراج چنان بنگر که اصلاح خراج دهندگان در آن است، چه صلاح خراج و خراج دهندگان به صلاح دیگران است، و کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج دهندگان سامان نپذیرد، که مردمان همگان، هزینه خوار خراجند و خراج دهندگان، و باید



نگریستن به آبادانی زمین بیشتر از ستن خراج بود، که ستن خراج جز با آبادانی میسر نشود، و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد، و کارش جز اندکی راست نیاید. (نامه ۵۳).

۱۷-۳. تخفیف در مالیات در شرائط خاص

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: و اگر از سنگینی - مالیات - شکایت کردند، یا از آفتی که - به کشت - رسیده، یا آبی که از کشته‌هایشان بریده، یا باران بدانها نباریده یا - بذر زمین - بر اثر غرق شدن یا بی آبی تباه گردیده، بار آنان را سبک گردان چندان که می‌دانی کارشان سامان پذیرد بدان. و آنچه بدان بار آنان را سبک گردانی بر تو گران نیاید، چه آن اندوخته‌ای بود که به تو بازش دهند، با آبادانی که در شهرهایت کنند و آرایشی که به ولایتها دهند. (نامه ۵۳).

۱۸-۳. عدالت گستری و اعتماد سازی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: و شادمانی که عدالت را میانشان گسترانده‌ای، حالی که تکیه بر فزونی قوت آنان خواهی داشت بدانچه نزدشان اندوخته‌ای: از آسایشی که برایشان اندوخته‌ای و اطمینانشان که با عدالت خود بدست آورده و مدارایی که کرده‌ای و بسا که در آینده کاری پدید آید که چون آن را به عهده آنان گذاری با خاطر خوش بپذیرند. (نامه ۵۳).

۱۹-۳. تلاش برای محرومیت‌زدائی

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: سپس خدا را! خدا را! در طبقه فرودین از مردم، آنان که راه چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانند، که در این طبقه مستمندی است خواهند، و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده. و برای خدا حقی از خود را که به آنان اختصاص داده، و نگهداری آن را به عهده‌ات نهاده پاس دار، و بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های زمینهای خالصه را در هر شهر به آنان واگذار، که دور دست‌ترین آنان را همان باید که برای نزدیکان است، و آنچه بر عهده تو نهاده‌اند، رعایت حق ایشان است. (نامه ۵۳).

۲۰-۳. ممنوعیت واگذاری‌ها به نزدیکان

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینی را به بخشش وامگذار، و مبادا در تو طمع کنند با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره که از آب دارند، یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند، پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند. (نامه ۵۳).

۳-۲۱. ضرورت همنشینی با مردم

امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین تا در آن فروتنی کنی خدایی را که تو را آفرید. و سپاهیان و یارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانانند، از آنان بازدار، تا سخنگوی آن مردم با تو گفتگو کند بی درماندگی. (نامه ۵۳).

نتیجه گیری

اعتماد عمومی از مهمترین مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی برای همه حکومتهاست و چنانچه دچار ضعف و یا روند کاهشی گردد پایه‌های حکومتها را متزلزل و دچار مشکلات عدیده می‌سازد از سویی دیگر اگر سهم خواهیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به ویژه تبعیضهای ناروا، در نهادهای حکومتی رایج گردد، همانند زلزله‌ای ویرانگر، کیان مشروعیت آن را ویران می‌سازد. بر این اساس باید به طور جدی و همه جانبه، ضمن برنامه ریزی و سیاستگذاری برای برقراری عدالت در تمام زمینه ها، و مراقبت و صیانت ویژه از عدالت اجتماعی، از تهدیدها و آسیبهای احتمالی جلوگیری نمود. البته با اذعان به این واقعیت که بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی به تبعیت از روحیه جهادی، عدالتخواهی و ظلم ستیزی امام خمینی (ره)، برای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی از جمله برقراری عدالت اجتماعی، زحمتهای طاقت فرسایی کشیده بلکه از جان خویش مایه گذاشته‌اند بدون شک این فداکاریها بر تارک تاریخ خواهد درخشید. نگارنده سعی نموده با واکاوی جریان ناکثین، که دارای تفکر سهم خواهیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده، همراه با تبیین مواضع امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در برابر آنان، مؤلفه‌های حفظ اعتماد عمومی را بر اساس نهج البلاغه به تصویر کشیده، الگویی بر گرفته از فرمایشات امام علی علیه السلام در ارتباط با چگونگی برخورد با چنین تفکری به منظور افزایش سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی از راه ترسیم مؤلفه‌های حفظ اعتماد عمومی را فرارو نهاده، به مسئولان دلسوز انقلاب اسلامی تقدیم نماید. امید است پژوهش سامان یافته تدارک باشد برای توجه و برنامه ریزیهای کارشناسانه، دقیق و همه جانبه برای افزایش سرمایه اجتماعی و نیز انس بیشتر همگان به معارف ژرف، حیاتبخش و انسان ساز نهج البلاغه.

نهج البلاغه، دين پرور، سيدجمال الدين، ۱۳۷۹، نهج البلاغه پارسى، تهران، بنياد نهج البلاغه.

۱. ابن ابى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
۲. ابن اثير، على بن محمد، ۱۳۹۷ق، اسد الغابة، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۳. ابن اعثم، ابومحمد احمد، ۱۴۱۱ق، الفتوح، بيروت، دارالفكر.
۴. ابن عبدالبر، ابوعمر يوسف بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلمية.
۵. ابن عساکر، على بن حسن بن هبة الله، ۱۴۱۷، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق على شيرى، چاپ اول، بيروت، دارالفكر.
۶. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، تحقيق على شيرى، چاپ اول، بيروت.
۷. اسكافى، محمد بن عبدالله معتزلى، ۱۴۰۲هـ / ۱۹۸۱م، تحقيق: محمد باقر محمودى، الطبعة الاولى، بى جا.
۸. الوانى، سيدمهدى، سيد نقوى، مير على، ۱۳۸۱، سرمايه اجتماعى، مفاهيم و نظريه ها، مطالعات مديريت، ش ۳۳ و ۳۴ ص ۹-۲۶.
۹. خامنه اى، سيدعلى، بيانيه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ايران، ۱۳۹۷، سايت: Khamenei.ir
۱۰. خامنه اى، سيدعلى، بيانات رهبرى، سايت: Khamenei.ir
۱۱. خامنه اى، سيدعلى، سى روز، سى گفتار، ۳۱ / ۵ / ۱۳۹۰، سايت: Khamenei.ir
۱۲. خطيب بغدادى، احمد بن على، ۱۴۱۷ق، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت، منشورات دارالكتب الاسلامية.
۱۳. خمينى، سيدروح الله، ۱۳۸۹، صحيفه امام مجموعه آثار امام خمينى، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
۱۴. خوئى، ميرزا حبيب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه، تهران، المكتبة الاسلامية.
۱۵. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، ۱۳۸۷، المفردات فى غريب القرآن، قم، انتشارات نويد اسلام.
۱۶. رهبر، عباسعلى و فاطمه حيدرى، ۱۳۹۰، تاثير سرمايه اجتماعى و تاثير آن بر ارتقاء

- سیاست‌گذاری، فصلنامه مطالعات بین الملل، ص ۲۵۳-۲۱۹.
۱۷. شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۱، *سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری*. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵ تا ۱۸.
۱۸. شعبانی ورکی، بختیار، ۱۳۸۵، *رهبری دانشگاهی و سرمایه اجتماعی*، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشگاه الزهراء ع.ت.ج.
۱۹. شیرازی، صدرالدین سید علی خان بن نظام الدین، ۱۴۰۳ ق، *الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی.
۲۱. صفدری، مهدی، کریم، محمدحسین، خسروی، محمدرسول، ۱۳۸۷، *بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران*، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۵، شماره ۲، ۳۹ تا ۶۱.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، اردن، دار الکتب الثقافی.
۲۴. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، ۱۴۰۵ ق، *المعجم الکبیر*، تحقیق، حمدی عبدالمجید السلفی، بی جا.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، دار المعرفة.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، *الامالی*، چاپ اول، نشر دار الشفافه، قم.
۲۷. فضل الله، محمد حسین، ۱۴۱۹ ق، *من وحی القرآن*، لبنان - بیروت، دار الملائک.
۲۸. فیروز آبادی، سید مرتضی، ۱۴۰۲ ق، *القاموس المحیط*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۵۴، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. مبشری، محمد، ۱۳۸۹، *بررسی روند دگرگونی در ایران*، دانشنامه علوم اجتماعی، ۲۳ تا ۴۱.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۹۲ ق، *بحار الانوار*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، مکتبه الاسلامیة.
۳۳. مغربی، ابو حنیفه نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ ق، *دعائم الاسلام*، تحقیق: آصف بن علی،

دارالمعارف، قاهره.

۳۴. مغنیه، محمدجواد، ۱۳۷۸، *تفسیر کاشف*، بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳۵. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۷۴، *الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، تحقیق سید علی میرشریفی، چاپ دوم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

۳۷. منقری، نصر ابن مزاحم، ۱۳۸۲، *وقعة صفین*، قم، منشورات مکتبة آية الله العظمی المرعشی.

۳۸. ناصری، محمد باقر، ۱۳۹۳ق. *دراسات فی التاريخ الاسلامی*، الطبعة لاولی، بیروت، مؤسسة اهل البيت.

۳۹. نجمی، محمد صادق، و هاشم هریسی، ۱۳۶۰، *دو تاریخ همگون*، قم، دفتر نشر تعالیم اسلام.

۴۰. نظریور، مهدی، ۱۳۹۴، *آشنائی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.

